

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز

(عليه السلام)

عشق حسین

(چکیده کتاب پرتویی از اسرار نماز)

محسن قرائتی

نماز، عشق حسین علیه السلام

(چکیده کتاب پرتویی از اسرار نماز)

محسن قرائتی

ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات

نوبت چاپ: اول. پائیز 89

شمارگان: 10000 نسخه

شابک: 978-600-5421-20-0

مرکز پخش: تهران - 66946363

www.Qaraati.ir

السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين

حسین جان! «اشهد انک قد اقمت الصلاة»؛ گواهی می‌دهم که تو نماز را به پاداشتی.

حسین جان! عصر تا سوعا یک شب مهلت خواستی و فرمودی: من نماز را دوست دارم و می‌خواهم امشب را نماز بخوانم.

حسین جان! ابو ثمامه را که هنگام نماز ظهر عاشورا را یادآوری کرد، دعا کردی.

حسین جان! در نماز ظهر عاشورا، خود و یارانت تیرهای دشمن را به جان خریدی تا نماز به پادارید.

حسین جان! صدای اذان علی اکبر را در ظهر عاشورا می‌شنویم.

حسین جان! ظهر عاشورا از مستحبات نماز مثل اذان و اقامه و جماعت و اول وقت دست برداشتی.

حسین جان! به خاورت فرمودی: مراد در نماز شبت فراموش نکن.

حسین جان! عزّت تو از پدری است که در کعبه متولد و در محراب شهید شد و از مادری است که نور نمازش به آسمانها می‌رفت.

حسین جان! سجده بر تربت کربلای تو، سبب قبولی نماز ماست.

از خدا بخواه که شیرینی نماز را بچشیم و به فرزندانمان بچشانیم.

چرا عبادت؟

عبادت، عالی‌ترین نوع کرنش در برابر خداوند است.

آفرینش هستی و بعثت پیامبران (عالم تکوین و تشریح) برای عبادت است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ هدف آفرینش جنّ و انس، عبادت خداوند است.

کارنامه همه انبیا و رسالت آنان نیز، دعوت مردم به پرستش خداوند بوده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۲ روشن است که خدا، نیازی به عبادت ما ندارد، «فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ»^۳ و سود عبادت، به خود پرستندگان برمی‌گردد، همچنانکه درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلم ندارد.

ریشه‌های عبادت

۱- عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدا می‌بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می‌کند. آن سان که در برابر یک دانشمند و شخصیت مهم، انسان خویشتن را کوچک و ناچیز شمرده، او را تعظیم و تکریم می‌کند.

۲- احساس نیاز و وابستگی

انسان در همه چیز، نیازمند خداوند بی‌نیاز است. این احساس عجز و نیاز، انسان را به پرستش وامی‌دارد. در بعضی احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود، هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد.

۳- توجه به نعمت‌ها

یادآوری نعمت‌های بی‌شمار الهی، انگیزه‌ای قوی برای توجه به خدا و عبادت اوست. در مناجات امامان معصوم، ابتدا نعمت‌های خدا به انسان آمده، آنگاه درخواست از او. قرآن می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْاَلْبَيْتِ، الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَّ اَمَّنَّهُمْ مِّنْ خَوْفٍ»^۴ مردم پروردگار کعبه را عبادت کنند، که آنان را از گرسنگی سیر و از ترس، ایمن ساخت.

۴- فطرت

روح پرستش که در انسان فطری است، گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و به «خداپرستی» می‌رسد، گاهی در سایه جهل یا انحراف، به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پل و ماشین و همسر و طاغوت‌ها. بعثت انبیا، برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است، نه اصل عبادت.

ابعاد عبادت

عبادت فراتر از نماز و روزه و امثال آن است. نیت صحیح و رنگ الهی دادن به کارها، آنها را عبادت و گاهی برتر از عبادت می‌سازد. همچون اکسیری که هر فلز بی‌ارزش را، طلا می‌سازد. عبادت، قرار دادن همهٔ ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. از جمله:

۱- تفکر در آفرینش

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: عبادت، زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن نیست، همانا عبادت، اندیشیدن در امر خداست.^۵

۲- کسب و کار

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عبادت، هفتاد بخش است، برترین آنها طلب حلال و به دنبال روزی رفتن است.^۶

۳- آموختن دانش

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کار کسی که برای آموختن حرکت کند، تا باطلی را رد و گمراهی را هدایت کند. همچون چهل سال عبادت است.^۷

۴- خدمت به مردم

روایات بسیاری خدمت به مردم و رسیدگی به مشکلات آنان را برتر

از بسیاری از عبادت‌ها و حج مستحب می‌داند.

۵- انتظار حکومت عدل جهانی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: انتظار فرج، برترین عبادت است.^۸ البته انتظاری مثبت و سازنده همراه با تلاش برای دولت عدل مهدوی. آری، ابعاد و نمونه‌های عبادت، قابل شمارش نیست و حتی نگاه پر مهر به پدر و مادر، نگاه به چهرهٔ علما، نگاه به قرآن و کعبه و رهبر عادل یا برادر دینی هم عبادت است.^۹

چگونه عبادت کنیم؟

روش عبادت را باید از قرآن و عترت آموخت. آنگونه که آدرس هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت.

۱- آگاهانه

در حدیث است: دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نماز جاهل است.^{۱۰} و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نماز، آن قسمتی مورد قبول است که انسان بر اساس تعقل و آگاهی بخواند.^{۱۱} امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می‌گوید و چه می‌گوید، گناهانش بخشیده می‌شود.^{۱۲}

۲- عاشقانه

عبادت از روی عشق، نشاط آور و لذت بخش است و آنگونه که بیمار از غذا لذت نمی برد، عبادت کنندگان بی شوق هم، لذتی از پرستش نمی برند. امام صادق علیه السلام فرمود: عبادت را به خودتان تحمیل نکنید.^{۱۳} آنگونه که برای دیدار یک شخصیت محبوب، نشاط و شوق داریم، برای دیدار با خدا و پرستش او هم باید چنین باشیم.

۳- خالصانه

ملاک ارزش و اعتبار عبادت، اخلاص است و عبادت ناخالص و از روی ریا، نفاق، شهرت طلبی و عوام فریبی، بی اعتبار و فاقد ارزش است. عبادت بی اخلاص، همچون جسم بی جان و پیکر بی روح است.

۴- خاشعانه

پرستش باید با قلبی سرشار از احساس عظمت خدا و کوچکی خود باشد. قرآن، در وصف مؤمنان، «خشوع در نماز» را بیان می کند.^{۱۴} برای خشوع در نماز، باید نمازگزار چنان عبادت کند که گویا خدا را می بیند و ذلت و کوچکی خویش را در برابر قدرت و عظمت او حس کند. در حدیث است: خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی.^{۱۵}

آفات عبادت

۱- ریا

کسی که نه برای خدا، بلکه برای جلب نظر مردم یا شهرت و مقام، عبادت می کند، عباداتش به هدر می رود. حتی گاهی شیطان پیش از عمل و در نیت اخلاص ایجاد کرده و از «قصد قربت» باز می دارد.

۲- عُجْب

گاهی کارها، با نام و برای خدا شروع شده، اما شیطان در نیمه راه، آن را با ایجاد غرور و خودپسندی و مهم دانستن عبادت، تباه می سازد.

۳- گناه

گاهان، آثار خوب عبادت را از بین می برند. همچون کشاورزی که پس از ماهها تلاش و زحمت، در اثر یک غفلت، خرمن محصولش گرفتار آتش شده و نابود شود. کاشتن نهال، وقت چندانی نمی برد، ولی به ثمر رساندن و مواظبت از سلامت آن و زدودن آفتها دشوار است. در روایت آمده است: عابدی مغرور و فاسقی شرمنده، هر دو وارد مسجد شدند، فاسق، بخاطر حالت توبه و پشیمانی، دگرگون گشت و مؤمنی صالح شد ولی عابد، به خاطر غرورش، فاسق از کار درآمد.^{۱۶}

عبودیت نه عبادت

پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی‌ارزش است. «بنده» باید تسلیم محض و بی‌قید و شرط امر «خدا» باشد و در برابر فرمان الهی، سلیقه‌ها و خواسته‌های شخصی را کنار بگذارد و به نیش و نوش دیگران و خوش آمدن و بد آمدن مردم بی‌اعتنا باشد. این همان «عبودیت» است که فلسفه عبادت است.

تداوم عبادت

از نظر اسلام، عبادت اندک، ولی پیوسته، ارزشمندتر از عمل نیک بزرگ ولی بی‌دوام است. قرآن می‌فرماید: خدا را بپرست، و در راه عبادت او صبور و شکیبا باش.^{۱۷} رسول خدا ﷺ آفت عبادت را، سستی و تداوم نداشتن آن می‌داند.^{۱۸}

رهرو آن نیست که گه تند و گه‌ی خسته رود

رهرو آنست که آهسته و پیوسته رود

توسعه عبادت

مؤمن خداپرست، باید به گسترش فرهنگ عبادت پردازد و تنها به نماز و عبادت خود اکتفا نکند، بلکه دیگران را هم با خدا و پرستش،

آشنا کند. خداوند، بعد از ایمان و عمل صالح، انسان را به دعوت به حق و صبر فرا می‌خواند.^{۱۹}

تسلیم، بزرگترین فلسفه تکلیف

بدون شک، دستورهای خدا و احکام شرع، دارای فلسفه و دلیل است هر چند ما آن را ندانیم. پذیرش فرمان‌های الهی، کمال آدمی است و برخی دستورها برای آموذن روح تسلیم و بندگی است. آنگونه که گاهی خود «راه رفتن» مثل پیاده‌روی هدف است، نه رسیدن به جایی.

سیمای نماز

بارزترین نوع عبادت و بندگی «نماز» است.

نماز، مهم‌ترین سفارش انبیا است. لقمان به فرزندش می‌گوید: پسرکم! نماز را بر پای دار. «یا بُنَّیْ اَقِمِ الصَّلَاةَ»^{۲۰}

نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداست: «اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی»^{۲۱}

نماز، پیمان خداوند است. پیامبر ﷺ فرمود: «الصَّلَاةُ عَهْدٌ لِلَّهِ»^{۲۲}

نماز، نور چشم پیامبر عزیز است. «قُرَّةُ عَیْنِی فِی الصَّلَاةِ»^{۲۳}

نماز، اهرم استعانت در غمها و مشکلات است.^{۲۴}

نماز، داروی تکبر است.^{۲۵}

نماز، وسیلهٔ تشکر از نعمت‌های خداست. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ»^{۲۶}

نماز، سیمای مکتب است. «الصَّلَاةُ وَجْهٌ دِينِكُمْ»^{۲۷}

نماز، به منزلهٔ پرچم و نشانهٔ مکتب است. «عَلَّمَ الْإِسْلَامَ الصَّلَاةَ»^{۲۸}

نماز، پایه و ستون دین است: «وَهِيَ عَمُودٌ دِينِكُمْ»^{۲۹}

نماز، به منزلهٔ سر نسبت به تن می‌باشد. «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»^{۳۰}

نماز، کلید بهشت است. «الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ»^{۳۱}

نماز، وسیلهٔ سنجش مردم است. «الصَّلَاةُ مِيزَانٌ»^{۳۲}

نماز، اولین سؤال در قیامت است: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ»^{۳۳}

نماز، همچون نهری است که انسان روزی پنج‌بار خود را در آن شستشو می‌دهد و دیگر چرکی باقی نمی‌ماند.^{۳۴}

نماز، برای اولیای خدا شیرین و برای منافقان دشوار و سنگین است: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^{۳۵}

نماز، درهم کوبندهٔ شیطان است: «مُدْخِرَةٌ لِلشَّيْطَانِ»^{۳۶}

امام صادق علیه السلام پیش از وفات به اطرافیان خود فرمود: هر که نماز را سبک شمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد.^{۳۷}

امام حسین علیه السلام، حتی ظهر روز عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن نماز را رها نکرد.

به پدران و مادران سفارش شده که اطفال خود را قبل از بلوغ، مثلاً از سن هشت سالگی وادار به نماز کنند.^{۳۸}

نماز، از دیدگاه عقل و وجدان

یکی از تکالیف انسانی، سپاس از محبت و نیکی دیگران است. حتی اگر مسلمان نباشیم، احسان و نیکی دیگران، به عهدهٔ ما مسئولیت تشکر می‌گذارد. این حق، نسبت به همه افراد با هر زبان و نژاد و ملیت و کشور، یکسان است.

هر چه لطف و نیکی بیشتر و نیکی کننده بزرگتر باشد، تشکر هم باید بیشتر و بهتر انجام گیرد. چه کسی بیشتر از «خدا» بر ما حق دارد؟

به قول سعدی: هر نفسی که فرو می‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفرّح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

البته خداوند به تشکر ما نیاز ندارد، این کار، ارزشی برای ماست و نشانهٔ انصاف ماست، نه اینکه نشان نیاز خدا به نماز ما باشد، اگر معلّم

به شاگردش گفت: خوب درس بخوان، شاگرد نباید خیال کند که خوب درس خواندن او، نیاز معلم است، بلکه کمال شاگرد را می‌خواهد. وقتی اصل لزوم تشکر را قبول کردیم، چگونگی آن باید طبق دستور باشد. وقتی مراجعه بیمار به پزشک، ضروری تشخیص داده شد، چگونگی مصرف دارو، تابع دستور پزشک است.

سؤال: تشکر در برابر نعمت‌ها درست، ولی آنکه در میان ناگواری‌ها زندگی می‌کند، او چرا باید تشکر کند؟

پاسخ: اولاً: بیشتر ناراحتی‌ها به دست خود ما فراهم می‌آید، مثلاً با رعایت نکردن بهداشت، مریض می‌شویم، با درس نخواندن و تنبلی، دچار رکود در زندگی می‌گردیم، در انتخاب دوست، دقت نمی‌کنیم، گرفتار می‌شویم و...

ثانیاً: انسان را به تلاش وامی‌دارد و استعدادها را شکوفا می‌سازد. ثالثاً: تلخی‌ها را باید در کنار شیرینی‌ها حساب کرد و بلاها را در کنار نعمت‌های بیشمار دید.

رابعاً: گاهی سختی‌ها و بلاها، باعث کمال روح و صیقل خوردن جان می‌شود و دلها از غیرخدا بریده، به او متوجه می‌شود.

ترک نماز

ترک نماز، قطع رابطه با آفریدگار هستی است و این در دنیا و آخرت، عواقب تلخی دارد. در قیامت، اهل بهشت از دوزخیان می‌پرسند: چه چیز شما را روانه جهنم کرد؟ یکی از پاسخ‌ها این است که ما پایبند به نماز نبودیم.^{۳۹} رسول خدا ﷺ فرمود: مرز میان اسلام و کفر، چیزی بیش از رها کردن نماز نیست.^{۴۰}

سبک شمردن نماز

ارزش گذاردن به نماز، نشانه ایمان به خداست و بی‌اعتنایی، دلیل ضعف و سستی در ایمان.

پیامبر ﷺ فرمود: وای بر کسی که از نماز مواظبت نکند.^{۴۱} و نیز فرمود: کسی که نماز را سبک شمرد، خداوند برکت و خیر را از عمر و مال او برمی‌دارد، پاداش کارهای او از بین می‌رود، دعاهایش مستجاب نمی‌شود... در برزخ، شکنجه و در قیامت حساب سختی دارد.^{۴۲} و فرمود: هر که نماز را سبک شمرد، از امت من نیست.^{۴۳}

حضرت علی علیه السلام فرمود: دزدترین افراد، آنانند که از نمازشان بکاهند و بدزدند.^{۴۴}

نمازهای معصومین علیهم السلام

صدای اذان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان جاذبه داشت که هنگام اذان به بلال می‌فرمود: «أُذِنَا يَا بِلَالُ»^{۴۵} ای بلال: ما را از غم و اندوه رهایی بخش. آن حضرت می‌فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود و بی تفاوت بماند، جفا کرده است.^{۴۶}

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب، سیراب می‌شود ولی من از نماز، سیر نمی‌شوم.^{۴۷}

هنگام نماز، رنگ از چهره علی علیه السلام می‌پرید و می‌لرزید و می‌فرمود: وقت نماز رسیده، وقت امانتی که خدا بر هستی عرضه کرد.^{۴۸}

علی علیه السلام در جنگ صفین، گاهی به آسمان نگاه می‌کرد. ابن عباس عتّ آن را پرسید. فرمود: برای اینکه نماز اوّل وقت، از دستم نرود.^{۴۹} همان گونه که ماهی از شنا کردن خسته نمی‌شود، اولیای خدا نیز از عبادت و نماز، خسته و ملول نمی‌شوند.

اولیای خدا، هنگام نماز، عطر می‌زدند، بهترین لباس را می‌پوشیدند، و خوف و هراسشان از آن بود که مبادا مورد عنایت خدا قرار نگیرند، یا در نماز حالت خشوع و توجه نداشته باشند.

آداب نماز

امام باقر علیه السلام فرمود: از نماز، آن مقدار قبول می‌شود که با توجه خوانده شود. هنگام نماز، با دست و سر و صورت خود بازی مکن، زیرا همه این کارها، سبب نقص نماز می‌شود، در حالت کسالت و خواب و سنگینی مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی، از آن منافقان است.^{۵۰} پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دو رکعت نماز کسی که مسواک کند، از هفتاد رکعت بدون مسواک بهتر است.^{۵۱}

مقدمات نماز

برای ورود به نماز، پاکی و نظافت در جسم و لباس و آمادگی‌های دیگر نیاز است که به آنها اشاره می‌شود:

طهارت

امام رضا علیه السلام درباره وضو بیان جالب و جامعی دارد و می‌فرماید: وضو، یک ادب در برابر خداست تا بنده، هنگام نماز، وقتی در برابر خداوند می‌ایستد پاک باشد. از آلودگی‌ها و پلیدی، پاکیزه باشد. به علاوه، در وضو، از بین رفتن کسالت و خواب آلودگی است. و دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می‌سازد.^{۵۲}

وضو در هر حال

وضو، به منزلهٔ اجازهٔ ورود به حضور پروردگار است. وضو به نور تشبیه شده^{۵۳} و خوابیدن با وضو همچون شب زنده‌داری^{۵۴} لذا در روایات تأکید شده که همواره با وضو باشید.

بدون وضو، دست زدن به آیات قرآن و نام خدا و پیامبر و ائمه علیهم‌السلام ممنوع است.^{۵۵} حتی اگر نام خدا به صورت آرم نهاده‌ها و مؤسسات درآید، (مثل آرم جمهوری اسلامی) همین حکم را دارد.

مصرف آب در وضو، اگر به حدّ اسراف برسد حرام است.

قبله

گرچه به هر سو بایستیم، رو به خداست، ولی توجه به یک کانون مقدس، الهام بخش توحید است و نظم و وحدتی زیبا می‌آفریند.

در آغاز قبلهٔ مسلمانان، «بیت‌المقدس» بود، ولی پس از هجرت، قبله به مسجدالحرام تغییر یافت.

کارهایی همچون خواب و خوراک خوب است به سمت قبله باشند. ذبح حیوانات باید رو به قبله باشد، وگرنه گوشت آنها حرام می‌شود.

حضرت مهدی علیه‌السلام نیز قیام جهانی خود را از کعبه آغاز خواهد کرد.

اذان

گفتن اذان و اقامه پیش از نماز، زمینه‌ساز توجه بیشتر به خداست. اذان، شعاری است که در بر دارندهٔ اساسی‌ترین پایه‌های اعتقادی و جهت‌گیری عملی مسلمانان است.

این شعار توحیدی، اولین جملاتی است که در گوش نوزاد خوانده می‌شود. اذان، صدایی است که شیطان‌ها را به فرار و دلهره وامی‌دارد.^{۵۶} سفارش شده که در خانه‌ها، بخصوص هنگام بیماری، اذان بگوئید و بکوشید که با صدای زیبا باشد.

نیت، ملاک ارزش

عنصری که به عمل انسان بها می‌دهد، نیت و انگیزه اوست. نیت، رکن عبادت است. اگر عملی بدون نیت انجام شود، یا نیت غیر خدایی باشد، باطل است. مقدّس‌ترین کارها بخاطر نیت بد، فاسد می‌شود و ساده‌ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می‌کند.

نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی^{۵۷} و شرط قبولی عمل است. خداوند می‌فرماید: جز آنچه خالص برای من باشد، نمی‌پذیرم.^{۵۸}

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرکس کار اندی را برای خدا انجام دهد، خدا

آن را در چشم دیگران بزرگ جلوه می‌دهد. و هر کس از کار بسیار خود، هدف غیر خدایی داشته باشد و به جای جلب رضای خدا به فکر جلب توجه مردم باشد، خدا کار زیاد او را در نظر مردم، کم جلوه می‌دهد.^{۵۹}

دانشگاه حکمت

اخلاص، دانشگاهی است که فارغ التحصیلان آن در مدت چهل روز، به مدارج عالی حکمت می‌رسند و در سایه اخلاص، به حدی از بصیرت و یقین می‌رسند که فوق تصور است.

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس چهل شبانه روز تمام کارهایش برای خدا باشد، چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌شود.^{۶۰}

نشانه‌های اخلاص

۱- بی‌توقعی از دیگران

سوره دهر درباره حضرت علی و فاطمه علیها السلام و فرزندان آنان نازل شد که پس از سه روز ایثار افطاری خود به مسکین و یتیم و اسیر، بدون هیچ توقع و چشمداشت تشکری خالصانه گفتند: «إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»^{۶۱} ما شما را بخاطر خدا، طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم.

۲- توجه به تکلیف، نه عنوان

نشانه دیگر اخلاص، آنست که انسان در عمل، دنبال کاری برود که تکلیف است، هر چند پول و عنوان و شهرت در آن نباشد و رفاه و اعتبار اجتماعی نیاورد. مثل خدمت در مناطق محروم یا روستاها و محیط‌های کوچک و دور دست و بد آب و هوا، یا پرداختن به کارهای لازمی که نمود ندارد، ولی وظیفه است.

۳- پشیمان نشدن از کار

کسی که برای خدا کار می‌کند و از دیگران انتظاری ندارد، هرگز از کارش پشیمان نمی‌شود، زیرا چون برای خداوند کار کرده، اجر خود را برده است، چه نتیجه دنیایی و مطلوب بدهد یا نه.

۴- استقبال یا بی‌اعتنایی مردم

اگر کسی از استقبال مردم شاد شود و از بی‌اعتنایی شان دلسرد گردد، نشان ضعف اخلاص است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: ریاکار، سه نشانه دارد: وقتی تنه‌است، با کسالت و بی‌حالی است، وقتی با مردم است، نشاط (در عبادت و عمل) پیدا می‌کند، اگر تعریفش کنند، کار بیشتری می‌کند، و اگر بدگویی کنند، کم کاری می‌کند.^{۶۲}

۵- یکی بودن ظاهر و باطن

علی علیه السلام فرمود: آنکه ظاهر و باطنش یکسان و گفته و عملش هماهنگ باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالص انجام داده است.^{۶۳}

۶- نداشتن تعصب گروهی

انسان با اخلاص، در انحصار باند و تشکیلات خاص نیست و تعصب گروهی نمی‌ورزد و اگر گروهی را باطل تشخیص داد، از آنان کناره می‌گیرد. البته اگر حزب یا گروه و تشکیلاتی حق بود، باید از آن حمایت کرد. یعنی نباید باطل خود را حق دید و حق دیگران را باطل پنداشت.

تکبیرة الاحرام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هنگام تکبیرة الاحرام، باید تمام هستی نزد تو کوچک باشد، جز «او». مگر نه اینکه هواپیما، هر چه بیشتر اوج بگیرد و بالا رود، ساختمان‌ها، کوچکتر به نظر می‌آید؟ آنکه خدا در نظرش عظیم باشد، جز خداوند، در نظرش بی مقدار، جلوه می‌کند.

سورة حمد

سوره حمد مشتمل بر حمد خداوند، بیان اوصاف الهی، حاکمیت او در روز قیامت، هدایت‌طلبی از او، برای گام نهادن در «راه راست» و دوری

از راه غضب شدگان و گمراهان می‌باشد.

این سوره با نام خدا آغاز می‌شود، و نام خدا در اوّل هر کار، رمز عشق به خدا و توکل بر او و استمداد از اوست. در حدیث است که هر کاری، حتی نوشتن یک بیت شعر را با بسم الله آغاز کنید، و هر کاری با یاد خدا نباشد، به فرجام نیکو نمی‌رسد.^{۶۴}

جمله «الحمد لله رب العالمین»، غفلت‌ها را از بین می‌برد، نعمت‌ها را به یاد می‌آورد و ما را متوجه ربوبیت الهی بر تمام هستی می‌کند. او که هم می‌آفریند، هم اداره و تربیت می‌کند. سایه رحمت عام او، بر سر همه گسترده است و رحمتش، بیش و پیش از غضب اوست.

جمله «مالک يوم الدين»، ما را به یاد حسابرسی قیامت می‌اندازد، تا به حساب ما نرسیده‌اند، خود به حساب خود برسیم.

نمازگزار، حتی اگر تنها باشد، جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را به صورت جمع می‌گوید، تا خود را در میان عبادت کنندگان قرار دهد. شاید عبادت ناقص او، میان عبادت خالصان و آبرومندان، به حساب آید و قبول شود. تعبیر جمعی، این درس را می‌دهد که باید «من»ها «ما» شود، اساس عبادات، بخصوص نماز، بر پایه جماعت است و تک روی

و انزوا و فردیت بی ارزش است.

اولین درخواست ما پس از حمد و ثنای او و اظهار بندگی و استمداد، هدایت به راه راست است. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

راه مستقیم، راه خدا^{۶۵}، راه انبیا^{۶۶} و راه رهبران معصوم است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَاللَّهِ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»^{۶۷}

البته راه مستقیم، در شرایط مختلف، متفاوت می‌شود. گاهی سکوت و گاهی فریاد. گاهی بذل مال و گاهی نثار جان، برای کسی تحصیل و برای دیگری کار و... لذا تشخیص راه مستقیم دشوار است و حرکت در آن، همچون عبور از راهی باریک‌تر از مو و بَرَنده‌تر از شمشیر است. انسان در عالیترین درجهٔ تکامل (حتی عصمت هم) باید از خداوند، راه مستقیم را بطلبد، زیرا این راه، دارای درجاتی است و مثل نور، قابل تکامل و افزایش است.^{۶۸}

برای شناخت مغضوبان، باید تاریخ و سرگذشت افراد و امت‌هایی را مطالعه کرد که به قهر الهی دچار شدند و هلاک گردیدند. نمازگزار، ضمن بیزاری از چنین گروه‌هایی، از خدا می‌خواهد که رهرو راه آنان نباشد، و راه گمراهان را نپوید.

سورة توحيد

گرچه در نماز، پس از سورة حمد، هر سورة‌ای می‌توان خواند، اما سورة توحيد فضیلت بیشتری دارد.

این سورة، در معرفی خدای بی‌همتاست. خداوندی که یکتاست، در همه چیز: در آفرینش،^{۶۹} در پرورش،^{۷۰} در مالکیت،^{۷۱} در حاکمیت^{۷۲} و در فریادرسی.^{۷۳} او در همهٔ اوصاف و ویژگی‌ها بی‌نظیر است.

خواندن حمد و سورة، باید با قرائت صحیح انجام گیرد و به زبان عربی باشد. عربی، زبان قرآن است. همچنان که هر خلبانی، در هر جای دنیا، هنگام تماس با برج فرودگاه، به انگلیسی صحبت می‌کند، نماز که یک‌پرواز روحی و معراج معنوی برای مؤمنان است و باید به عربی صحیح ادا شود.

رکوع و سجود

رکوع، ادب است و سجود، فُرب و کسانى به خدا نزدیک می‌شوند که در اظهار ادب، کوتاهی نکرده باشند. در روایات، نمونه‌هایی از رکوع و سجود پیشوایان نقل شده که انسان از نماز خود، شرمند می‌شود. سجده، نشان خاکساری در برابر خدا و عالی‌ترین درجهٔ عبودیت است.

سجده، رمز دوران‌های چهارگانه زندگی انسان است، علی علیه السلام می‌فرماید: سجده اول، یعنی اینکه از خاک و سر برداشتن، رمز زندگی دنیایی است. سجده دوم، رمز مردن و به خاک خفتن است و سر برداشتن، رمز محشور شدن است.^{۷۴}

سجود و تسبیح نمازگزار، هم‌آوایی با اجزای عالم وجود است که همه در برابر فرمان و عظمت خدا، خاضع و ساجدند.

سجده، انسان را به خدا نزدیک می‌کند، گناهان را می‌ریزد، کمر شیطان را می‌شکند و انسان را بهشتی می‌سازد.

مستحب است انسان بر خاک قبر سیدالشهداء سجده کند. چرا که سجده بر تربت پاک حسین علیه السلام، یادآور حماسه‌ها و معنویت‌های کربلاست و انسان را با فرهنگ جهاد و شهادت، آشنا و مأنوس می‌کند. امام صادق علیه السلام جز بر تربت امام حسین علیه السلام سجده نمی‌کرد،^{۷۵} و فرمود: سجده بر خاک حسین علیه السلام نورانی‌تری دارد که حجاب‌ها را پاره می‌کند.^{۷۶}

قنوت

معنای «قنوت»، اطاعت، دعا، توجه به خدا و خشوع در نماز است. در نماز، مستحب است که دست را تا مقابل صورت بالا آورده و دعا کنند.

البته در قنوت دعای خاصی لازم نیست و به فرموده امام صادق علیه السلام هر دعایی که بر زبان جاری شد خوب است، ولی برخی دعاها سفارش بیشتر شده است.

تشهد

تشهد، بازگو کردن همان شهادت و شعاری است که در آغاز نماز در اذان و اقامه گفته شد و این برای یادآوری خط پاکان و صالحان است. مقدم بودن (عَبْدُهُ) بر (رَسُولُهُ) در تشهد می‌رساند که رمز رسالت پیامبر، عبودیت اوست، و چون «بنده» خدا بوده به مقام پیامبری برگزیده شده است.

فراز دیگر تشهد، «صلوات» است. یاد «آل پیامبر» در صلوات، نشان قدرشناسی از دودمان پیامبر و عمل به توصیه آن حضرت است.^{۷۷}

سلام

پایان نماز، با سه سلام است: سلام به رسول خدا، سلام به خودمان و بندگان شایسته خدا و سلام بر همه فرشتگان و مؤمنان.

سلام، یکی از نام‌های پروردگار است^{۷۸} به این معنی که آنچه از خداوند دریافت می‌کنیم، خیر و لطف و برکت است.^{۷۹}

نمازگزار، وقتی در نماز، به همه مؤمنان و بندگان صالح سلام می‌دهد، احساس می‌کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت اسلام است و با مردان خدا در هر جای زمین، احساس همبستگی می‌کند.

تعقیب نماز

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: همین که از نماز واجب فارغ شدی، به دعا و تعقیب نماز مشغول باش.^{۸۰} و تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام از هزار رکعت نماز مستحب، نزد خداوند بهتر است.^{۸۱}

نماز جماعت

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که: نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل، در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد.^{۸۲} شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از نفاق بیمه می‌کند.^{۸۳} و برای هر گامی که به سوی نماز جماعت و مسجد برداشته شود، ثواب و حسنه در نظر گرفته شده است.^{۸۴}

تعداد حاضران در نماز جماعت، هر چه بیشتر باشد، پاداش آن بیشتر است.^{۸۵} یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادی است.^{۸۶} نماز جماعت، بهترین و کم‌خرج‌ترین اجتماعات دنیا و زمینه‌ساز تعاون

اجتماعی است. نماز جماعت، نشان دهنده قدرت مسلمین و الفت دلها و انسجام صفوف است.

نماز جمعه

در مراسم هفتگی مسلمین، «نماز جمعه» جایگاه والایی دارد و نه تنها یک عبادت، بلکه مظهر وحدت مسلمین و عظمت اسلام است. قرآن می‌فرماید: ای اهل ایمان! وقتی به نماز روز جمعه ندا داده می‌شوید، به سوی یاد خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید.^{۸۷} رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جمعه را «حج مساکین» دانسته^{۸۸} و آنرا موجب آمرزش گناهان شمرده است.^{۸۹}

نماز عید

مناسبت‌های مختلف اسلامی، زمینه توجّه به خدای متعال و زنده کننده یاد او در فکر مسلمانان است. برای این مناسبت‌ها، اعمال و دعا‌های بخصوصی، وارد شده است، مانند نماز عید فطر و عید قربان. بر خلاف جشن‌ها و اعیاد دیگران، که آمیخته به غفلت، هوسرانی و شهوات است، عید اسلامی، همراه با انفاق و صدقه و طهارت است.

نماز آیات

برخی پدیده‌ها که در طبیعت رخ می‌دهد، موجب وحشت انسان‌ها می‌شود و گاهی افکار خرافی را در اذهان جاهلان پدید می‌آورد.

در اسلام، برای اینگونه پدیده‌ها، نماز خاصی واجب شده تا مردم، توجه به خدای هستی‌آفرین پیدا کنند و منشأ این تغییرات و حوادث را، قدرت الهی بدانند. نام این نماز، «نماز آیات» است؛ چرا که برای بروز حوادثی برگزار می‌شود که از آیات و نشانه‌های الهی در جهان است.

نماز میّت

وقتی مسلمانی هر چند کودک، از دنیا می‌رود، پس از غسل دادن و کفن کردن، باید بر پیکر او نماز خواند. «نماز میّت» در واقع دعایی بیش نیست، زیرا رکوع و سجود و تشهد و سلام ندارد و وضو نمی‌خواهد.

این نماز، واجب کفایی بوده و سبب رحمت بر میّت و موجب اجر برای نمازگزاران می‌شود.^{۹۰}

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| (۱) ذاریات، آیه ۵۶. | (۲۴) بقره، آیه ۴۵. |
| (۲) نحل، آیه ۳۶. | (۲۵) نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲. |
| (۳) زمر، آیه ۷. | (۲۶) کوثر، آیه ۲. |
| (۴) قریش، آیه ۳ و ۴. | (۲۷) فروع کافی، ج ۱، ص ۲۷۰. |
| (۵) میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۲. | (۲۸) کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹. |
| (۶) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱. | (۲۹) مستدرک، ج ۱، ص ۱۷۲. |
| (۷) محجة البیضاء، ج ۱، ص ۱۹. | (۳۰) نهج الفصاحه، جمله ۳۰۷۵. |
| (۸) نهج الفصاحه، جمله ۴۰۹. | (۳۱) نهج الفصاحه، جمله ۱۵۸۸. |
| (۹) سفینة البحار، کلمه «نظر». | (۳۲) فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۷. |
| (۱۰) سفینة البحار، کلمه «عبد». | (۳۳) نهج الفصاحه، جمله ۹۷۹. |
| (۱۱) محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۶۶. | (۳۴) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷. |
| (۱۲) وافی، ج ۲، ص ۱۰. | (۳۵) بقره، آیه ۴۵. |
| (۱۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳. | (۳۶) فهرست عزرا الحکم، صلاة. |
| (۱۴) مؤمنون، آیه ۳. | (۳۷) فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۴. |
| (۱۵) مصباح الشریعه، ص ۸. | (۳۸) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳. |
| (۱۶) کافی، ج ۲، ص ۳۱۴. | (۳۹) مدّثر، آیه ۴۳. |
| (۱۷) مریم، آیه ۶۵. | (۴۰) نهج الفصاحه، جمله ۱۰۹۸. |
| (۱۸) بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۸. | (۴۱) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹. |
| (۱۹) عصر، آیه ۳. | (۴۲) سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۳. |
| (۲۰) لقمان، آیه ۱۷. | (۴۳) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۵. |
| (۲۱) طه، آیه ۱۴. | (۴۴) بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲. |
| (۲۲) کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹. | (۴۵) محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۷۷. |
| (۲۳) بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۷. | (۴۶) نهج الفصاحه، جمله ۱۳۲. |

- ٤٧) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ١٧٤.
- ٤٨) تفسیر صافی، ج ٢، ص ٣٧٠.
- ٤٩) سفینة البحار، ج ٢، ص ٤٤.
- ٥٠) محجة البيضاء، ج ١، ص ٣٥٤.
- ٥١) نهج الفصاحة، جمله ١٦٦٩.
- ٥٢) وسائل الشیعة، ج ١، ص ٢٥٧.
- ٥٣) قصار الجمل، ج ١، ص ٣١١.
- ٥٤) وسائل الشیعة، ج ١، ص ٢٦٦.
- ٥٥) توضیح المسائل، بخش وضو.
- ٥٦) کنز العمال، ج ٧، ص ٦٩٢.
- ٥٧) عنکبوت، آیه ٦٩.
- ٥٨) روضة المتقين، ج ١٢، ص ١٤١.
- ٥٩) روضة المتقين، ج ١٢، ص ١٤٢.
- ٦٠) جامع السعادات، ج ٢، ص ٧٧.
- ٦١) انسان، آیه ٩.
- ٦٢) محجة البيضاء، ج ٦، ص ١٤٤.
- ٦٣) نهج البلاغة، نامه ٢٦.
- ٦٤) تفسیر صافی، ج ١، ص ٥٢.
- ٦٥) هود، آیه ٥٦.
- ٦٦) زخرف، آیه ٤٣.
- ٦٧) نور الثقلين، ج ١، ص ١٧.
- ٦٨) مریم، آیه ٧٦.
- ٦٩) رعد، آیه ١٦.
- ٧٠) انعام، آیه ١٦٤.
- ٧١) آل عمران، آیه ١٨٩.
- ٧٢) انعام، آیه ٥٧.
- ٧٣) نمل، آیه ٦٢.
- ٧٤) بحار الانوار، ج ٨٢، ص ١٣٩.
- ٧٥) وسائل الشیعة، ج ٣، ص ٦٠٨.
- ٧٦) بحار الانوار، ج ١٠٣، ص ١٣٥.
- ٧٧) کنز العمال، ج ١، ص ٤٨٨.
- ٧٨) حشر، آیه ٢٣.
- ٧٩) المیزان، ج ١٩، ص ٢٥٦.
- ٨٠) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٣٣٦.
- ٨١) همان.
- ٨٢) وسائل الشیعة، ج ٥، ص ٣٧٥.
- ٨٣) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٨٨.
- ٨٤) کنز العمال، حدیث ٢٢٨١٥.
- ٨٥) کنز العمال، ج ٨، ص ٢٥٨.
- ٨٦) همان.
- ٨٧) جمعه، آیه ٩.
- ٨٨) بحار الانوار، ج ٨٩، ص ١٩٩.
- ٨٩) وسائل الشیعة، ج ٥، ص ٣.
- ٩٠) وسائل الشیعة، ج ٢، ص ٧٦٢.